

وسختگیری هایی که در این رابطه می شود قطعه‌ای از پازل ناامیدی من است. پیامک حجاب و در دسرهای آن، آزار زن در خیابان و فقدان احساس امنیت برای زنان خانواده‌ام واقعاً به‌مرحل ناراحت‌کننده‌ای رسیده است. «محمد ادا مه می‌دهد: «شرایط معیشتی آنقدر بد است که برای تأمین نیازهای اولیه ناچاریم بخشی از نیازهای سبد خانوار را حذف کنیم. هر چند بازم اقلامی مانند گوشت و مرغ دست‌نیافتنی شده‌اند. تفریح و سفر به‌عنوان یک نیاز روحی عملاً غیرممکن شده است. من مستأجر نیستم، اما بیسپاری از اطرفیان و همکاران من زیربار اجاره مسکن کم‌رخم کرده‌اند و می‌دانند که رویای خانداد شدن‌شان هرگز رنگ واقعیت پیدا نمی‌کند زیرا فاصله دستمزدها و قیمت خرید مسکن سرسام‌آور است. بنابراین به‌دلیل تأیید نکردن ساختاری که به‌شدت دچار فساد سیستماتیک شده است، در انتخابات شرکت‌نمی‌کنم.»

▼ **برای حمایت از کاندیدای موردنظر رأی می‌دهم**

۳ «یوسف» جزو شرکت‌کنندگان در انتخابات پیش‌روست. او کارگر پتروشیمی ساکن در جنوب کشور است و به‌هم‌میهن می‌گوید: «مجلس قبل به‌نظر من اصلاً موفق نبود و به‌نفع مردم به‌ویژه جامعه کارگری، کار نکرد. فراکسیون کارگری هم عملکرد ضعیفی داشت. اما امسال کاندیدای مورد نظرم از جامعه کارگری است بنابراین از نظر صنفی از او حمایت می‌کنیم تا بتواند کار کرده و تغییرات مثبتی ایجاد کند.» یک بارنشنسته نیروهای مسلح هم درباره مشارکت یا مشارکت نکردن در انتخابات می‌گوید: «در گذشته وزمانی که افرادی از جبهه اصلاحات در انتخابات حضور داشتند، حتماً مشارکت می‌کردم. امسال اما در انتخابات شرکت نمی‌کنم. معتقدم راه اصلاح ازطریق انتخابات است و چاره دیگری هم نداریم، اما باید حداقل‌هایی در حوزه اقتصادی، فرهنگی اجتماعی و... وجود داشته باشد که نیست. در حال حاضر شرایط به‌گونه‌ای است که ظاهراً رأی مردم برای مسئولان اهمیتی ندارد، بنابراین فکر می‌کنم که رأی بدهم برای ندهم، شرایط تغییری نمی‌کند.»

▼ **مجلسی که کارکردش تأیید دولت بود**

۴ یکی از معلمان هم به هم‌میهن می‌گوید، در انتخابات شرکت نمی‌کند: «مجلس یازدهم با دولت هم‌راستا بود و تصمیماتی که گرفتند، برای به‌سامان شدن وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نبود. بیشتر فضای جناحی خود را در نظر می‌گرفتند و تحت هر شرایطی دولت و مجلس یکدیگر را تأیید می‌کردند. موضع‌گیری‌های این طیف سیاسی بسیار تند بود و مشخص بود که نتیجه‌ای هم به‌دنبال ندارد. ازطریق دیگران تأیید می‌کنند اما دربار مسائل مختلف مانند اعتراضات سال گذشته و دلخوری‌هایی که مردم به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشتند، مجلس تقریباً هیچ واکنشی به سود مردم‌داشت‌وتنها تأییدکننده عملکرددولت بود. معدودنماینده‌هایی نیز که حداقل با بخشی از مردم همدلی می‌کردند برای انتخابات پیش‌رو درصلاحت شدند. درصلاحت‌های گسترده من را از نظر سیاسی به این نتیجه‌رساند که در انتخابات شرکت نکنم. «او همچنین به‌مسائلا ومطالبات صنفی معلمان هم اشاره می‌کند: «به‌عنوان یک معلم انتظار داشتم نمایندگان مجلس در این حوزه غیرسیاسی، حمایت خود را از معلمان نشان دهند، اما در عمل بسیاری از نمایندگان دراین زمینه با دولت همراهی کردند. مثلاً عدد تعیین شده در رتبه‌بندی معلمان که قرار بود دستمزد آنها را به نحو چشمگیری افزایش دهد در سلازمان برنامه و بودجه به‌شدت کاهش یافت. ما از نمایندگان مجلس انتظار داشتیم در این زمینه ورود کرده و قانون را اجرا کنند، اما نمایندگان رفتار دولت را تأیید کردند.» این معلم با اشاره به بیانیه‌برخی اصلاح‌طلبان تحت‌عنوان «روزنه‌گشایی» عنوان می‌کند: «با برخی از همکاران صحبت کردیم، یکی از آنها معتقد بود، باید به همین حداقل‌ها رأی داد تا دموکراسی زنده بماند. اما نظر من این است که علاوه بر موضوع دموکراسی، باید از زندگی مردم نیز گره‌گشایی شود. به نظر من با توجه به ساختار پیچیده سیاسی کشور از دولت ومجلس کاری ساخته نیست و به‌همین دلیل رأی نمی‌دهم.»

▼ **سفرهای مان کوچک‌تر شده**

۵ «احمد»، کارگز صنعت نفت و پتروشیمی و اهل ایده است. او از جمله افرادی است که رأی نمی‌دهد: «نماینده قبلی ما در مجلس منفعل بود. درباره کمپین‌های اعتراضی بابت حق و حقوق کارگران با رها با او تماس گرفتم و حتی به او مراجعه کردم اما جواب هیچ‌یک از ما را نداد. هر روز سفره‌های ما کوچک‌تر می‌شود. نمایندگان مجلس برای ما چه‌کاری کرده‌اند که بخواهم رأی بدهم.» او با اشاره به محرومیت شهر ایده به هم‌میهن می‌گوید: «رود کارون از کنار شهر ایده رد می‌شود، اما مردم شهر تشنه هستند. در ایده هیچ کارودآمدی نیست و مردم ناچار شده‌اند آواره این شهر و آن شهر شوند. من هم در شهر دیگری کار می‌کنم. به‌دلیل این شرایط، رأی نمی‌دهم.»

▼ **اعتماد ندارم**

۶ یکی از مغازه‌داران در بازار تهران، به هم‌میهن می‌گوید که در دوره‌های اخیر در هیچ انتخاباتی شرکت نکرده است و انتخابات پیش‌رو نیز از این قاعده مستثنی نیست. او درباره علت تصمیم خود به هم‌میهن توضیح می‌دهد: «من نمی‌توانم به افرادی رأی دهم که از قدرت یا اراده کافی برای مبارزه با فساد بر خوردار نیستند. من اعتمادی به نماینده‌ها ندارم و معتقدم، از صداقت لازم برای نمایندگی بر خوردار نیستند. شرایط اقتصاد کشور و به‌تبع آن بازار خراب است. هزینه‌ها سنگین است اما درآمد تقریباً صفر. در این کشور هرروز اختلاس‌های کلان انجام می‌شود و کسی هم از آن ممانعت‌نمی‌کند.»

یکی دیگر از کارگران که فعال این حوزه هم هست، به هم‌میهن

می‌گوید: «شرکت در انتخاباتی که نظر من به‌عنوان یک شهروند در آن نقشی ندارد و به‌نظرم کاملاً صوری و مهندسی شده، توهین به خودم است. از طرف دیگر هر روز شرایط زندگی مردم از جمله خودم، بدتر می‌شود. هنوز مناطق محرومی در کشور ما وجود دارند که حتی عنوان «جهان سوم» هم برای آنها کم است و کسی هم برای بهبود این شرایط اقدامی نمی‌کند، درصلاحت‌های گسترده نشان می‌دهد که خودشان هم یکدیگر را قبول ندارند.»

▼ **رأی می‌دهم تا مطالبه‌گری کنم**

۷ دیگری از کاردرمان است و می‌گوید که این دوره نیز مانند گذشته، در انتخابات شرکت می‌کند: «مهم نیست گروهی که می‌خواهم رأی بیاورم یا خیر. اما برای اعتقادات خودم آنقدر ارزش قائل هستم که به گروهی که مورد قبولم است، رأی بدهم. معتقدم، وقتی رأی می‌دهیم باید از رأی خود محافظت هم‌کنیم. ما رأی می‌دهیم اما بعد از آن پیگیری رأی خود نمی‌شویم و از اشخاصی که به آنها رأی داده ایم مطالبه‌گری نمی‌کنیم. باید در کنار رأی دادن، حضوری فعال برای مطالبه‌گری از نمایندگان داشته باشیم و در

سه‌شنبه ۱ اسفند ۱۴۰۲
سال دوم • شماره ۱۴۵۱
www.hammihanonline.ir

صورت لزوم، انتقادات سازنده هم داشته باشیم.» معلمی جوان است که هنوز درباره رأی دادن بی‌ارای ندان تصمیمی صدرصد نگرفته است: «قبلاً به‌صورت پیش‌فرض می‌دانستم که چرا می‌خواهم رأی بدهم و به‌صورت خودکار رأی می‌دام و دلایل این مسئله هم برایم مشخص بود.» او به هم‌میهن می‌گوید: «امسال تناقض‌ها برایم پرزنگ است، از جمله این تناقض‌ها مشکلات معیشتی است. باتوجه به اینکه معلم هستم بیش از شرایط معیشتی شاهد شرایط اسفبار فرهنگی و اجتماعی هستم. آنقدر مشکلات دراین خصوص زیاد شده است که نتوانسته‌ام در این زمینه تصمیم قاطعانه‌ای بگیرم اما هنوز کفه ترازوی رأی دادن پررنگ‌تر است. مهم‌ترین دلیل رأی دادن برای من از نوجوانی آن بوده است که تا نیم‌قرن پیش، حق انتخابی برای مردم وجود نداشته است اما برخی افراد این دغدغه را پیدامی‌کنند که باید حق انتخاب داشته باشند و برای تحقق این خواسته منطقی از جان، آرامش و خانواده خود گذشتند. بنابراین من حق رأی رانوعی امانت می‌دانم. شاید این نحوه برگزاری انتخابات و رأی دادن مدنظر تلاش گران کسب حق رأی برای مردم نبود اما همچنان حس می‌کنم این حق، امانتی است که باید از آن به‌خوبی محافظت کنم.»

نگاه هم‌میهن

رای دادن علیه جامعه کو تا همدت

▼ **روند پُر نشیب و فراز انتخابات در کشور**

محمد جواد روح، سردبیر روزنامه هم‌میهن، معتقد است، حضور در انتخابات با همه تحدیدها و درصلاحت‌های گسترده منتقدین بهتر از عدم مشارکت است. او که اخیراً به همراه جمعی از کنشگران سیاسی و اجتماعی، نخبگان و جامعه را به استفاده از

فرصت انتخابات فراخوانده است، می‌گوید: «طبیعتاً در این انتخابات، امید زیادی

برای حضور یا پیروزی افرادی که گمان می‌کنیم حضورشان به‌نفع کشور است، نداریم؛ چراکه واقعبیات و چشم‌اندازهای میزان مشارکت در انتخابات مشخص است. توان دو جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا به لحاظ حضور چهره‌های شاخص در میان کاندیداها نیز یکسان نیست. اما هدف اصلی از مشارکت در این انتخابات، پیروزی افراد مصلح نیست؛ بلکه گشودن فضایی برای کنش‌ها، انتخابات آتی و خروج جامعه و نخبگان از انفعال فعلی است» او معتقد است، جامعه ایران در روند تحولات در دوران معاصر به‌ویژه در دوران بعد از انقلاب و سال‌های جنگ شاهد فضای انتخابات جدی نبوده است:

«در زمان جنگ، اکثریت جامعه و ساختار سیاسی همسو بودند. به‌عنوان مثال نسبت به ریاست‌جمهوری، چند فرد مشخص مانند آیت‌الله خانه‌ای و آیت‌الله هاشمی وفاق داشتند و زمان برگزاری انتخابات مشخص بود که رئیس‌جمهور بعدی کیست. به‌همین دلیل هم فرد مورد نظر انتخاب می‌شد و با توجه به پشتوانه اجتماعی‌ای که داشت، مردم در انتخابات بنوعی با او بیعت می‌کردند. اما از دهه ۷۰ به‌تدریج این وضعیت تغییر کرد و گرایش‌ها و نیروهای اجتماعی، تعیین‌کننده شدند.» او توضیح داد: «تحلیل‌های منتشرشده اخیر از سوی روشنفکران، صاحب‌نظران و جامعه‌شناسان درباره لزوم مشارکت در انتخابات بیشتر با سوسیه و نگاه اجتماعی به تحولات ایران نگاه می‌کند، نه سوسیه صرفاً سیاسی. به این معنا که تجربه نشان داده است، یکی از مهم‌ترین چالش‌های جامعه ایران که روند توسعه کشور را دچار فراز و نشیب جدی و حتی عقب‌گردهای جدی کرده است» کوتا همدت بودن جامعه ایرانی» است. این مسئله دلایل مختلف اجتماعی، تاریخی و حتی سیاسی دارد.»

▼ **انتظار تغییرات در کوتاه‌مدت**

او توضیح می‌دهد: «یکی از نشانه‌های کوتاه‌مدت بودن جامعه ایرانی آن است که وقتی گروهی در جامعه ادعای تأثیرگذاری بر روند تحولات اجتماعی را می‌کند و جامعه نیز آن را احساس می‌کند، بخش قابل توجهی از جامعه با موج ایجادشده همراه می‌شوند و شاید ایرادات موجود در نمایندگان یا شعارهای آنان را نادیده و به‌صورت ناگهانی تصمیمی قاطعانه می‌گیرد. این موضوع را هم در انقلاب ۱۳۵۷، هم در انتخاباتی که با مشارکت گسترده مردم همراه بوده است. مانند دوم خردادماه ۱۳۷۶ و خردادماه ۱۳۹۲ -مشاهده کردیم. درواقع جامعه با ایجاد یک روزنه امید، درگیر موجی از اعتمادبه‌بنفس بیش از حد شده و انتظار دارد با رأی دادن و کسب پیروزی به‌سرعت شاهد تغییرات جدی مدنظر خود شود، اما در راستا سایر عوامل قدرت و نیروهای اجتماعی که مخالف افراد خواهان تغییر هستند، مانند اقتدا گرایان و جریان سنتی را نادیده می‌گیرد.»
اومی‌گوید: «وقتی جامعه انتظار ایجاد تغییرات در کوتاه‌مدت را دارد و این انتظار برآورده نمی‌شود، خیلی سریع دچار ناامیدی می‌شود و دراین‌میان اولین نقطه‌ای که قهر خود را بروز می‌دهد، صنوق‌های رأی است.» نکته‌ای که این روزنامه‌نگار آن تأکید کرده و ادامه می‌دهد: «بسیاری از افرادی که با وضع موجود مخالف هستند، ناگزیر بند بسیاری از قوانینی را که همین ساختار موجود در حوزه‌های استخدام، سربازی اجباری، دانشگاه و مدارس، اخذ وام‌های بانکی و... وضع کرده است، بپذیرند تا بتوانند امورات زندگی خود را بگذرانند و می‌بینیم که در این موارد، بر خلاف انتخابات سخنی از نافرمانی مدنی و... زده نمی‌شود. به‌جز موارد بسیار کمی که ممکن است درباره این موضوعات، به‌شکل مقطعی دست به اعتراض بزنند. حتی درباره حجاب هم که بیشترین مواجهه جامعه با الگوهای رسمی را شاهدیم، بسیاری افراد سعی می‌کنند در این زمینه برای خودشان ایجاد دردسر نکنند و دست به مواجهه نزنند و مثلاً درون خودروی خود یا دیگران، مراقب حجاب‌شان باشند. اما همین افراد وقتی زمان انتخابات می‌شود، سعی می‌کنند تمام اعتراضات و انتقادات سرکوب‌شده خود را از طریق رأی ندادن ابراز کنند و به‌نوعی از خود اعاده حیثیت کنند.» او با بیان اینکه رأی ابراز و حق شهروندان است که می‌توانند به‌صورت سلبی یا ایجابی از آن استفاده کنند، اظهار می‌کند: «اما آنچه باعث می‌شود همچنان نیروهایی که واقعاً در اقلیت هستند بر شرکت در انتخابات مصر باشند، آن است که نتایج دوران رأی ندادن بر روند توسعه ایران و حتی عقبگرد آن کاملاً مشخص است. دولت‌ها و مجالسی که برآمده از رأی اکثریت بودند، کارنامه مشخصی دارند. مجالس ودولت‌هایی هم که اکثریت در آن شرکت نکردند و به‌تبع آن افرادی به‌عنوان مسئول برگزیده شدند که مورد خواست عموم مردم نبودند نیز خورجی



نگاه حقوق‌دان

تحدید حق تعیین سرنوشت جر می نابخشودنی



محمدصالح نقره‌کار

وکیل دادگستری

ساختارهای سیاسی موظف‌اند، شرایطی فراهم کنند تا مردم به‌راحتی بتوانند از حق بر تعیین سرنوشت خود استفاده کنند. اساساً حق تعیین سرنوشت به‌مثابه یک حق مدنی و سیاسی است و باید تبلور و تسهیل‌گری در راستای استفاده از این حق شهروندی را در عرصه عمومی مشاهده کنیم. از طرف دیگر حاکمیت‌ها نیز در راستای استفاده شهروندان از این حق خود تکالیفی برعهده‌دارند. برای اینکه شهروندان بتوانند در انتخاباتی آزاد و منصفانه شرکت کنند، باید اصول و موازینی رعایت شود. ازجمله این اصول، حق دسترسی به سازوکارهای نظارت و داوری انتخاباتی در موارد وقوع فساد انتخاباتی است. در سه‌ساحت قبل، چین‌وبعد از برگزاری انتخابات باید زمینه‌ها و موازینی برای دسترسی شهروندان به حق تعیین سرنوشت وجود داشته باشد و هر مانعی که باعث تضییع این حق شود، نقض حقوق اساسی شهروندان و خلاف قوه موسس انقلاب اسلامی و نظام مبتنی بر حق تعیین سرنوشت است که در اصل ۵۶ قانون اساسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. قانون اساسی ما در سوبه‌های مختلف از تقنین و تفسیر به‌دنبال شیوه‌های انتقال مسالمت‌جویانه مناصب عمومی از طریق نهاد انتخابات است و به‌نظرم ای رس‌دتفاسیر موجود در راستای اعمال نظرات استصوابی و محدودکردن حق انتخاب شهروندان، زمینه‌های استیفای حق تعیین سرنوشت را به‌محاق می‌برد. از این‌نظر کنشگران حقوق عمومی که از منظر حق‌ها و تکالیف به موضوعات مرتبط با حق‌های شهروندی می‌پردازند، نیاز دارند که این موضوعات را در عرصه عمومی مطرح کنند. مشارکت یا مشارکت نکردن شهروندان در انتخابات اساساً حق شخصی آنهاست. نه حق جمعی، اما آثار اعمال این حق، جنبه عمومی دارد. به‌بیان دیگر حق تعیین سرنوشت، حقی شخصی است که تبلور اجتماعی و سیاسی دارد. بنابراین در این زمینه فعل یا ترک فعل شهروندان نمی‌تواند مصداق امری صمدوح یا ناپسند تلقی شود، بلکه در راستای آزادی اراده شهروندی باید مورد تحلیل قرار بگیرد. همه ما به‌عنوان عاشقان ایران و همه افرادی که عاشق این مرز جغرافیایی هستند، تلاش خود را در راستای تغییر و بهبود به‌کار می‌گیرند. نیاز کشور ما دسترسی به صاحبان خرد و اصحاب اندیشه در حوزه عمومی به‌ویژه در پارلمان است، بنابراین باید همه تلاش کنیم که از این حق تعیین سرنوشت به‌بهرترین شیوه‌مطلوب بهره‌ بگیریم. هرچند در این امر پسندیده نمی‌توان به موضع شورای نگهبان و نحوه کاربست اعمال نظرات بر خلاف قانون اساسی بی‌توجه بود. شاید از این‌منظر باید به زمینه‌های منع دسترسی به حق تعیین سرنوشت بیشتر تمرکز کرد. ممکن است به‌دلیل رویدادهایی که در حوزه اعمال حق تعیین سرنوشت به‌وسیله تنگ‌نظری‌ها و تفسیرهای واژگونه و برخلاف قانون اساسی رخ داده است، حقوق و آزادی‌های بنیادین به‌محاق رفته و در نتیجه کام بسیاری از شهروندان تلخ شده است. بنابراین باید مواضع را از سر راه انتخابات آزاد برداشت. مصداق فساد بزرگ و منکرک به حق تعیین سرنوشت، مصداق فساد بزرگ و منکرک عظیم علیه شهروندان است. در شرایطی که ازنظر اقتصادی، اجتماعی و شرایط کلی کشور، به صاحبان خرد، تجربه، سیاست و روششنری نیز داریم هرگونه اقدامی که مانع از استیفای این حق شود به‌نظر من، جر می نابخشودنی توسط مراجع عمومی است.

خبرسازان

بر خور د پلیسی با مهاجرت نخبگان؟

گروه‌جامعه: قائم‌مقام بنیاد ملی نخبگان از تفاهم با پلیس برای برخورد با دفاتر مهاجرتی و جلوگیری از مهاجرت سازمان‌یافته نخبگان خبر داد و گفت: «برخی مجموعه‌بزنس یا کسبوکاری در حوزه مهاجرت را انداخته‌اند و به‌طور مثال اگر مهاجرت به یک کشور برای یک فرد ۱۰ هزار دلار هزینه‌دارد، این مجموعه‌ها با هزار یا دوهزار دلار این کار را انجام می‌دهند که یقیناً این دفاتر از یک سیستمی تأمین مالی می‌شوند.»
سلمان سیدافقی درباره بازگشت نخبگان به کشور به خبرگزاری مهر گفت: «همکاری با مجموعه‌های مختلف کشور در حوزه ورود و خروج نخبگان، اطلاعاتی داریم که نشان می‌دهد هرساله حدود ۲ هزار نفر که در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند، به کشور بازمی‌گردند.» او با اعلام اینکه از سال ۹۷ حدود ۱۰ هزار نفر از فراغ تحصیلان مقطع ارشد و دکتری که به خارج از ایران رفته‌اند، به کشور بازگشتند، افزود: «این آمار را براساس ترجمه مدارک که به زبان فارسی انجام شده، اعلام می‌کنم و کاملاً مستند است.» او با بیان اینکه آمارهایی که در بحث مهاجرت وجود دارد، خلاف فضایی است که در حال حاضر در کشور ایجاد شده است، افزود: «به‌تازگی ۲ نفر از وزرای دولت قبل، جوسازی بدی در حوزه مهاجرت انجام دادند و یکی از آنها عنوان کرده بود که از هر دانشجویی که با او در ارتباط است، ۲ نفر قصد مهاجرت دارد این در حالی‌است که فضای واقعی این نیست و جهت‌دهی رسانه‌ای در این باره یا ریختن به آسیاب دشمن است. این حق را برای خودمان قائل هستیم که واقعیت را در خصوص مهاجرت به‌گوش مردم برسانیم.»